

گنجینه سوال رایگان
+ پاسخ تشریحی

یاوران دانش



راه های ارتباطی با ما:

www.Dyavari.com

۰۲۱-۷۶۷۰۳۸۵۸

۰۹۱۲-۳۴ ۹۴ ۱۳۴



۱- عین الخطأ:

- (۱) أنشد الشاعر شعراً عمّن يشتغل بزينة الدنيا الفانية: شاعري شعري سرود درباره هرکس که به زینت دنیای فانی سرگرم است؛
- (۲) و الآمال تغره و الوقت ينتهي بغته: در حالی که آرزوها او را فریب می دهد و ناگهان وقت تمام می شود؛
- (۳) فعندما يلتفت إلى المستقبل، الخوف يضمّه: پس هنگامی که به آینده توجه می کند، ترس او را فرا می گیرد؛
- (۴) و لمّا يراجع ماضيه يرى أنّه لا ذخيرة في يده: و وقتی که به گذشته اش مراجعه می کند می بیند که هیچ اندوخته ای در دستش نیست!

۲- «تَنقُرُ بعضُ الطيور جذوعَ الأشجار الصلبة بمنقارها لِتصنع عشّها، و إن لم يُخلَق بدنها مناسباً لهذا العمل لكان يضرّها عملها!»: بعضی پرندگان

- (۱) تنه هایی را که درختان سخت دارند با منقار خود می کوبند بخاطر اینکه لانه خود را بسازند، و چنانچه بدن آنها مناسب خلق نشده بود بی شک این کارشان به ضررشان بود!
- (۲) برای اینکه لانه شان را بسازند با منقارهای خود تنه های سخت درختان را می کوبند، و چنانچه بدنشان مناسب آفریده نمی شد این کارشان به آنها زیان می رساند!
- (۳) برای ساخته شدن لانه شان با منقار خود به تنه های درختان سخت نوک می زنند، و اگر نبود که بدنشان مناسب این کار خلق شده کارشان به آنها صدمه می زد!
- (۴) تنه های سخت درختان را با منقار خود نوک می زنند تا لانه خود را بسازند، و اگر بدنشان مناسب این کار آفریده نمی شد حتماً کارشان به آنها ضرر می زد!

۳- «أعلى المراتب في الإنسانية هو أنّ كلّ عملٍ صالحٍ تفعله يكون في نظرتك صغيراً، و كلّ عملٍ سيئٍ تقوم به تعدّه كبيراً»:

- (۱) برترین رتبه ها در انسانیت همان است که هر کاری که انجام می دهی و خوب بوده در نظرت کوچک باشد، و هر کار بدی که به آن اقدام کردی بزرگ بشمارد!
- (۲) برترین درجه ها در انسان بودن در دیدگاه تو است که هر عمل نیکی را انجام می دهی کوچک، و هر عمل خطایی را که بدان اقدام کنی بزرگ پنداری!
- (۳) عالی ترین مرتبه ها در انسانیت آن است که هر کار خوبی که انجام دهی در نگاه تو کوچک باشد، و هر عمل بدی را انجام دهی آن را بزرگ بشمار آوری!
- (۴) عالی ترین درجه در انسان بودن به این است که هر کار صالحی را که انجام می دهی از نظر تو کوچک باشد، و هر کار اشتباهی که انجام داده ای بزرگ پنداری!

۴- «حکایت می شود که جوانی دروغگو در یکی از روزها در دریا شنا می کرد و تظاهر به غرق شدن نمود!». عین الصحيح:

- (۱) يُقال إنّ شاباً كاذباً في يومٍ من الأيام سبح في البحر و تظاهر بالغرق!
- (۲) يُحكى أنّ شاباً كذاباً في أحد الأيام كان يسبح في البحر و تظاهر بالغرق!
- (۳) يُحكى بأنّ شاباً كاذباً قد سبح في أحد الأيام في البحر و يتظاهر بالغرق!
- (۴) يُقال إنّ شاباً كذاباً قد يسبح في البحر يوماً من الأيام و يتظاهر بالغرق!



۵- عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي:

«طلب الرجلُ الفاضلُ من الرجلِ الكثير المعاصي أن يلتزم بكلِّ الحسنات»:

- (۱) يلتزم: فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من باب تفاعل) - متعدّد - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية
- (۲) طلب: فعل ماض (للتأنيب) - مجرد ثلاثي - متعدّد / فعل و فاعله «الرجل» و الجملة فعلية
- (۳) الرجل: اسم - مفرد مذكّر - معرّف بآل - معرب / مجرور بحرف الجرّ؛ من الرجل: جار و مجرور
- (۴) الفاضل: اسم - مفرد مذكّر - اسم فاعل (مصدره: فضل) - معرّف بآل / صفة و مرفوع بالتبعية للموصوف «الرجل»

۶- (... أرسلنا إلى فرعون رسولا، فعصى فرعون الرسول) عین الجواب الصحيح لترجمة الآية الكريمة:

- (۱) آن رسول را بسوی فرعون ارسال داشتیم، ولی فرعون از رسول سرپیچی کرد.
- (۲) بسوی فرعون رسولی فرستادیم، پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد.
- (۳) آن پیامبر را برای فرعون فرستادیم، و فرعون نسبت به او نافرمانی کرد.
- (۴) برای فرعون پیامبری ارسال کردیم، ولی فرعون از پیامبر سرپیچی کرد.

۷- عین الخطأ (عن الفعل المضارع):

- (۱) عليك أن لا تكذبين لأنك كنت صادقة دائماً!
- (۲) حاولت المعلمات أن يساعدن التلميذات في تعلّم الدّروس!
- (۳) هذان الطّائران ينقران جذع الشجرة بمنقارهما حتّى يصنعا بيتهما!
- (۴) عزم أصدقائي أن يرجعوا من الملعب بالحافلة بعد انتهاء المسابقة!

۸- (و عسي أن تكرهوا شيئاً و هو خير لكم). عین غير المناسب لمعنى الآية الكريمة:

- (۱) (أن تصبروا خيراً لكم و الله غفور رحيم)
- (۲) ای بسا درد که باشد به حقیقت درمان!
- (۳) (لا تدري لعلّ الله يحدث بعد ذلك أمراً)
- (۴) بسیار دردمندی بود که به تندرستی رساند!

۹- «إذا حدثت ظاهرة و لو طبيعية، يُحاول العلماء أن يعرفوا سرَّ تلك الظاهرة فتصل هذه المحاولات إلى أجوبة تُحسن حياتنا!» عین الترجمة الصحيحة:

- (۱) هنگامی که یک پدیده حادث شد اگرچه به صورت طبیعی، دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده کوشش می کنند و این تلاش هایی است که برای خوب کردن زندگیمان به جواب می رسد!
- (۲) هنگامی که پدیده ای اتفاق افتاد اگرچه طبیعی، راز آن پدیده با کوشش دانشمندان شناخته می شود، و اینها تلاش هایی است که به جوابی برای بهتر کردن زندگیمان می رسد!
- (۳) هرگاه پدیده ای هر چند طبیعی به وجود بیاید، دانشمندان سعی می کنند که راز آن پدیده را بشناسند، و این کوششها به جواب هایی می رسد که زندگی ما را نیکو می گرداند!
- (۴) هرگاه یک پدیده ای هر چند طبیعی به وجود بیاید، دانشمندان می کوشند تا راز آن پدیده شناسایی شود و این کوششها به جواب هایی می رسد که زندگی ما را بهتر می گرداند!



۱۰- (انفقوا ممّا رزقناکم من قبل أن یأتی یومٌ لا یبیع فیہ و لا خُلَّةٌ) عین الصحیح لجواب الترجمة:

- (۱) از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید قبل از اینکه روزی فرا برسد که نه فروشی در آن است و نه دوستی‌ای!
- (۲) انفاق کنید از روزی‌هایی که به شما داده‌ایم پیش از این که آن روز فرا برسد که نه خرید در آن است و نه دوستی!
- (۳) بخشش کنید از چیزهایی که روزی شما ساختیم پیش از اینکه روزی برسد که هیچ فروشی در آن نیست و هیچ دوستی!
- (۴) از آنچه روزی شما کرده‌ایم بخشش کنید قبل از اینکه آن روز برسد که هیچ خرید و فروشی در آن نیست و هیچ دوستی‌ای!

۱۱- عین الخطأ فی الإعراب و التحلیل الصرفی:

«الحسدُ یأکلُ الحَسَنات کما تأکلُ النارُ الحطبُ»:

- (۱) النار: اسم - مفرد - معرّف بآل - معرب / فاعل لفعل «تأکل» و مرفوع
- (۲) الحسد: اسم - مفرد مذکر - معرّف بآل - معرب / مبتدأ و مرفوع و الجملة اسمیة
- (۳) الحسَنات: اسم - جمع سالم للمؤنث (مفردة «حُسن») - معرب / مفعول و منصوب
- (۴) الحطب: اسم - مفرد مذکر - معرّف بآل - معرب / مفعول لفعل تأکل، و منصوب

متن زیر را بخوانید و به ۷ سؤال بعدی پاسخ دهید.

«إنّ فشل الكثير من الطلاب يعود إلى عدم قابليّة الطالب لتعلّم المادّة التي يدرسها! فيمكن أن نجمع أسباب هذه المشكلة في كلمة «آلم». فالهمزة مأخوذة من بداية فعل «أكره»؛ فإنّ الكثير من الدارسين لا يهتمّون بالمادّة الدراسيّة المعيّنة لأنّهم يكرهونها! و «اللام» إشارة إلى «لا ترتبط بي»، «لا أحبُّ» و ... و «الميم» إلى كلمة «مستحيل» التي تعني أنّ الطالب يجد ما في المادّة صعوبةً لا يدركها!

و أمّا حلّ هذه القضية فإنّها بيد الإنسان نفسه. فيلزم عليه أن يبدأ بحوار: ما هي فائدة مادّة اللغة العربيّة مثلاً؟! ... ثمّ يسعى أن يجد الجواب: بها أتعرفُ على ثقافة مجتمعي الدينيّة التي تجلّت في القرآن الكريم و الروايات. و في نفس الوقت أستطيع أن أطلّع على ثقافتی الإيرانيّة، لأنّ اللّغة الفارسيّة ممزوجة باللغة العربيّة. إضافة إلى ذلك إنّ هذه المادّة تقدر أن تفتح عيوننا نحو مجالات غير ثقافية أيضاً لأنّ اللغة العربيّة لغةٌ حيّة ... فهكذا نُقلّل من شدّة الأمر! * مستحيل: محال

۱۲- عین الموضوع الذي لم يُذكر في النصّ:

- (۱) دور الطالب في حلّ مشكلاته الدراسيّة.
- (۲) العلاقة و الارتباط بين اللغة و الثقافة.
- (۳) بيان طريقة تقدّم الطلاب في دراستهم.
- (۴) أسباب و علل صعوبة الدروس.

۱۳- عین الأقرب من النصّ:

- (۱) أطلب العلم و لا تكسل فما / أبعد * الخير على أهل الكسل!
- (۲) أيّهذا الشاكي و ما بك داء / كُن جميلاً تر * الوجود جميلاً!
- (۳) (إنّ الله لا يُغيّر ما بقوم حتّى يُغيّروا ما بأنفسهم)
- (۴) (و الذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا) * ما أبعد: كثر البعد / * تر: ترى



۱۴- عین الصحیح:

- (۱) كان أدباؤنا القدماء يعرفون اللغة العربية جيداً!
- (۲) اللغة العربية هي لغة ثقافية فقط و ليست تجارية!
- (۳) لا يمكن التكلم باللغة الفارسيّة إلا بفهم اللغة العربيّة!
- (۴) تعلّم الأدب الفارسي و إدراكه لا يحتاج إلى تعلّم اللغة العربيّة!

۱۵- عین الصحیح: تقلیل صعوبة القضايا بـ

- (۱) الفهم و الممارسة.
- (۲) تعلّمها.
- (۳) تسهيلها.
- (۴) السؤال و الجواب.

۱۶- عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي:

«يكرهون»:

- (۱) مجرد ثلاثي - متعدّد / فعلّ و مع فاعله جملة فعلية، و ضمير «ها» مفعوله
- (۲) للجمع الغائب - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - متعدّد / فعلّ و مع فاعله جملة فعلية
- (۳) مضارع - للجمع المذكر الغائب - مجرد ثلاثي - متعدّد - معلوم / مع فاعله جملة فعلية و خبر «أنّ»
- (۴) مضارع - ماضيه «كره» - مجرد ثلاثي و حروفه كلّها أصلية - معلوم / مفعوله ضمير «ها»

۱۷- عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي:

«نُقِلَّ»:

- (۱) فعل مضارع - للمتكلم مع الغير - مزيد ثلاثي - معلوم / فعلّ و مع فاعله جملة فعلية
- (۲) مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد من باب تفعيل - ماضيه «قَلَّ» على وزن «فَعَلَّ»
- (۳) للمتكلم مع الغير - مزيد ثلاثي من باب «تَفَعَّلَ» / فعلّ و مع فاعله جملة فعلية
- (۴) حروفه الأصلية «ق ل ل» و له حرف واحد زائد من باب تفعيل

۱۸- عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي:

«الدارسين»:

- (۱) اسم - معرّف بأل - معرب / مجرور بحرف «من»، من الدارسين: جار و مجرور
- (۲) اسم - جمع سالم للمذكر - اسم فاعل (فعله «درس») / مجرور بالكسرة بحرف الجر
- (۳) جمع سالم للمذكر - اسم المفعول من فعله: مدروس / مجرور بحرف الجر و ليس خبر «إنّ»
- (۴) جمع سالم للمذكر - اسم فاعل (فعله مجرد ثلاثي: درس) - معرّف بأل / مجرور بالياء بحرف الجر



۱۹- عین الترجمة الصحيحة:

- «التَّعليمُ الصَّحِيحُ هو الَّذِي يُعَلِّمُ الْإِنْسَانَ كَيْفَ يُفَكِّرُ وَ كَيْفَ يَغَيِّرُ نَفْسَهُ وَ كَيْفَ يُوَاجِهُ الْمَشَاكِلَ وَ الصَّعُوبَاتِ الْكَثِيرَةَ»:
- (۱) آموزشی صحیح است که انسان یاد بگیرد چطور تفکر کند و چطور خود را تغییر دهد و چطور با مشکلات و سختی‌های بسیار برخورد کند!
 - (۲) آموزش صحیح آن است که به انسان می‌آموزد چگونه بیاندیشد و چگونه خود را تغییر دهد و چگونه با مشکلات و سختی‌های بسیار مواجه شود!
 - (۳) تعلیمی صحیح است که چگونه فکر کردن و عوض کردن خویشتن خویش را به انسان آموخته، بتواند چگونگی برخورد با مشکلات و سختی‌های زیاد را یاد دهد!
 - (۴) تعلیم صحیح همان است که انسان در آن چطور تفکر کردن و چطور تغییر دادن خویشتن را یاد بگیرد و دریابد چگونه با مشکلات و سختی‌های فراوان روبرو شود!

۲۰- عین الترجمة الصحيحة:

- «هذه المرأة نموذج بين المستشرقين، إنها قد حاولت طول عُمرها لبناء جسرٍ بين الثقافات الإنسانية!»:
- (۱) این زن الگویی است در میان مستشرقین، او طول عمرش را در برپایی پل میان تمدن‌های انسانی تلاش کرده است!
 - (۲) این زن میان مستشرقان الگو است، او قطعاً طول عمرش را برای بنای پلی میان فرهنگ‌های انسانی تلاش کرده است!
 - (۳) این زن بین شرق‌شناسان نمونه‌ایست، وی در طول عمر خود بخاطر بر پا کردن پل بین فرهنگ‌های انسانی تلاش کرده است!
 - (۴) این زن در میان خاورشناسان نمونه است، او در طول عمرش برای ساختن پلی بین فرهنگ‌های انسانی تلاش کرده است!

۲۱- «الفائز هو الَّذِي يُعَيِّنُ لِنَفْسِهِ قَائِمَةً مِنَ الْمُنَى وَ الْأَهْدَافِ الَّتِي يَسْتَطِيعُ أَنْ يَقُومَ بِهَا وَ يَقَرَّرَ أَنْ لَا يُضَيِّعَ وَقْتَهُ أَبَداً!»: «برنده

کسی است که برای خود»، عین الصحيح للترجمة:

- (۱) ستونی از آرزوها و هدف‌هایی را تعیین کند که بشود آن‌ها را انجام داد، و قرار می‌گذارد که هیچگاه فرصتش را تباه نمی‌کند!
- (۲) فهرستی از آرزو و اهداف را که می‌تواند انجام دهد، برابر خود قرار می‌دهد، و تصمیم می‌گیرد که هیچگاه وقتش هدر نرود!
- (۳) فهرستی از آرزوها و اهدافی را تعیین می‌کند که می‌تواند آن‌ها را انجام دهد و تصمیم می‌گیرد که هرگز وقتش را تلف نکند!
- (۴) ستون آرزوها و هدف‌ها را مشخص کند، آن‌هایی را که می‌تواند برای انجامش اقدام کند و قرار بگذارد که هرگز فرصتش هدر نرود!



۲۲- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

(ادخلني برحمتك في عبادك الصالحين):

- (۱) رحمة: اسم - مفرد مؤنث - معرب / مجرور بحرف الجرّ؛ جار و مجرور؛ رحمتك: مضاف و مضاف‌إليه
- (۲) أدخل: فعل أمر (للمفرد المخاطب) - مجرد ثلاثي - متعدّد / فعل و فاعل، و الجملة فعلية، و النون حرف وقاية
- (۳) عباد: اسم - جمع مكسّر أو تكسير (مفردة: عبد، مذکر) - معرب / مجرور بحرف الجرّ؛ في عباد: جار و مجرور
- (۴) الصالحين: جمع سالم للمذکر - اسم فاعل (فعله «صلح» مجرد ثلاثي) - معرّف بآل / صفة و مجرور بالياء بالتبعية للموصوف «عباد»

۲۳- (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) عَيْنُ الصَّحِيحِ لَتَرْجُمَةِ الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ:

- (۱) بی گمان الله دگرگون نمی‌سازد درون قوم را الا اینکه آنچه را در درون دلها دارند دگرگون کنند!
- (۲) الله قطعاً عوض نمی‌کند آنچه را قومی در درون دارند الا اینکه آنچه در درون آنهاست تغییر یابد!
- (۳) همانا خداوند آنچه را در قومی هست تغییر نمی‌دهد تا اینکه آنچه را در خودشان است تغییر دهند!
- (۴) خداوند بی شک چیزهایی را که در قوم هست عوض نمی‌کند مگر اینکه آنچه در دل دارند تغییر کند!

«بانک سوال موسسه یاوران دانش»

۲۴- عَيْنُ الْخَطَا عَنْ مَا يُعَادِلُ الْمَفْهُومَ:

- (۱) (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) ← روغن ریخته را نذر امامزاده کردن!
- (۲) (نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ) ← هر آن کس که دندان دهد نان دهد!
- (۳) (إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ) ← نیک را پاسخ جز نکو نیست!
- (۴) (وَ إِذَا مَرَّوْا بِاللَّغْوِ مَرَّوْا كِرَامًا) ← شتر دیدی ندیدی!

۲۵- «کیست آنکه خورشید را در فضا چون شراره‌ای ایجاد کرده است!». عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلتَّعْرِيبِ:

- (۱) من هو الذي خلق الشَّمْسَ في الفضاء مثل الشررة!
- (۲) من ذا الذي أوجد الشَّمْسَ في الجوّ مثل شررة!
- (۳) من الذي أوجد شَمْساً في الفضاء كالشررة!
- (۴) من هذا الذي خلق شَمْساً في الجوّ كشررة!

۲۶- «الْكُتُبُ تَجْرِبَةُ الْأُمَمِ وَ ثَمَرَةُ آلَافٍ مِنَ الْأَفْكَارِ وَ تَزِيدُ قُوَّةَ فَهْمِ وَ دُرْكَ الْإِنْسَانِ وَ تُرَبِّي مُفَكِّرِينَ فَضْلًا!» عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجُمَةِ:

- (۱) کتابها تجربه امتها و ثمره هزاران نوع اندیشه است و با آن نیروی دریافت و درک انسان افزون می‌شود و مفکرین اندیشمندی پرورش می‌دهد!
- (۲) کتب تجربه ملتها و میوه هزاران اندیشه‌ایست که قوّت دریافت و ادراک انسان به آن زیاد می‌شود و مفکران فاضل را پرورش می‌دهد!
- (۳) کتب تجربه امتها و ثمره هزاران نوع فکر هستند و بر قوّت فهم و ادراک انسان می‌افزایند و متفکرین اندیشمند را می‌پرورانند!
- (۴) کتابها تجربه ملتها و میوه هزاران فکر هستند و نیروی فهم و درک انسان را زیاد می‌کنند و متفکران فاضلی را می‌پرورانند!



۲۷- «هناك شجرة في الجنوب تلتف من بداية حياتها حول جذع و عُصون شجرة أخرى، و هي حية بهذا الالتفاف!» عین الصحيح للترجمة:

- (۱) آنجا در جنوب تک درختی است که از آغاز زندگی خود پیرامون تنه و شاخه‌های درختی دیگر می‌پیچد، و تنها بوسیله این پیچیدن زنده است!
- (۲) درختی در جنوب وجود داشت، این درخت از آغاز زندگی خود پیرامون تنه یک درخت دیگر و شاخه‌هایش می‌پیچید و بوسیله آن زنده می‌ماند!
- (۳) درختی در جنوب وجود دارد که از ابتدای زندگیش دور تنه و شاخه‌های درختی دیگر می‌پیچد، و آن به این پیچیدن زنده است!
- (۴) آنجا در جنوب تک درختی هست که از شروع زندگیش دور تنه و شاخه‌های یک درخت دیگر پیچیده است، و بسبب این پیچیدن زنده مانده!

۲۸- (أنفقوا مما رزقناكم من قبل أن يأتي يوم لا بيع فيه و لا خلة) عین الصحيح لترجمة الآية الكريمة:

- (۱) از آنچه به شما روزی دادیم اتفاق کنید قبل از این که روزی بیاید که نه فروشی (تجارتی) در آن است و نه دوستی‌ای!
- (۲) آنچه را روزی شما کردیم اتفاق کنید پیش از این که آن روزی فرا رسد که نه خرید و فروش در آن است و نه شفاعتی!
- (۳) از چیزهایی که به شما روزی داده‌ایم به دیگران بدهید پیش از این که آن روز بیاید که نه خریدی در آن است و نه شفاعتی!
- (۴) چیزهایی را که روزی شما قرا دادیم به دیگران ببخشید قبل از این که روزی فرا رسد که نه معامله‌ای در آن است و نه دوستی!

۲۹- «دع من الذكريات ما يُزعج قلبك و يجعلك خائبا، لأنها تمنعك من التقدم!» عین الترجمة الصحيحة:

- (۱) فروگذار آنچه را که دلت را آزرده می‌سازد از خاطرات ناامیدکننده، زیرا مانع پیشرفت تو می‌شود!
- (۲) از خاطرات آنچه را که دلت را آزرده می‌کند و تو را ناامید می‌سازد رها کن، زیرا آن‌ها تو را از پیشرفت باز می‌دارد!
- (۳) از خاطرات آنچه که قلبت را آزرده می‌سازد و ناامیدت می‌کند، ترک کن، زیرا مانعی برای پیشرفت تو می‌شود!
- (۴) ترک کن آنچه را که قلبت را آزرده می‌کند و خاطراتی که ناامیدت می‌گرداند، زیرا تو را از پیشرفت باز می‌دارد!

۳۰- «كشاورزان از چاه روستا آبی استخراج کردند» عین التعريب الصحيح:

- (۱) استخراج الفلاحون ماءً من بئر القرية.
- (۲) استخراج هؤلاء الفلاحون ماءً من بئر القرية.
- (۳) استخراجوا الفلاحون ماءً من بئر قرية.
- (۴) استخراجوا هؤلاء الفلاحون الماء من بئر في القرية.

۳۱- عین الصحيح عن المفردات:

- (۱) نعلم أن للبَطْ غَدَّةً طَبِيعِيَّةً بالقرب من دَنْبِهَا. (جمع) ← عُدَد، ذنوب
- (۲) عندما نَمْشِي على الرَّمال الحارّة تحرق أقدامنا. (مترادف) ← نسير، رجال
- (۳) اشتدَّت الرِّياح و حدثت أعاصير في تلك المنطقة. (مفرد) ← رائحة، إعصار
- (۴) أظهر لنا أصدقاؤنا صدقهم و هم من المصلحين. (متضاد) ← أضمر، المفسدين



۳۲- «دانش آموزی را می بینم که تمرین های درس را در کلاس می نویسد» عین التعریب الصحيح:

- (۱) أشاهد طالباً يكتب تمارين الدرس في الصف.
- (۲) رأيت في الصف الطالب يكتب تمارين الدروس.
- (۳) أشاهد في الصف طالباً و هو يكتب تمارين الدرس.
- (۴) رأيت الطالب و هو يكتب تمارين الدروس في الصف.

۳۳- «إنَّ الجَهْلَ يُسَبِّبُ أَنْ نَجِدَ طُرُقاً لِقَضَاءِ حَيَاتِنَا تَتَجَلَّى لَنَا سَهْلَةً، وَلَكِنَّهَا تَنْتَهِي إِلَى الْخَسَارَةِ» عین الاصح للترجمة:

- (۱) این نادانی سبب یافتن راه های سهل الوصول برای گذران زندگی می شود، لکن به خسارت پایان می یابد!
- (۲) نادانی قطعاً مسبب آن است که راه های گذران زندگی به شکل ساده درنظرمان جلوه گر شود، اما به خسارت بیانجامد!
- (۳) نادانی باعث می شود برای گذران زندگی مان راه هایی را بیابیم که برایمان آسان جلوه می کند، و لکن به خسارت منتهی می شود!
- (۴) قطعاً نادانی است که سبب می شود راه هایی را که برای ما آسان جلوه کرده برای گذران زندگیمان بیابیم، ولی آن راه ها به خسارت منجر می شود!

۳۴- «رَبِّمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْلِكَ بِالظُّلْمِ كُلَّ مَا تَرِيدُ، وَلَكِنْ بَدْعَاءُ مَظْلُومٍ تَفْقَدُ كُلَّ مَا قَدْ مَلَكَتَ!» عین الاصح للترجمة:

- (۱) چه بسا بتوانی با ظلم هر چه را بخواهی مالک شوی، ولی با دعای یک مظلوم همه ی آنچه را مالک شده ای، از دست می دهی!
- (۲) چه بسا توانسته باشی به وسیله ی ظلم هر چه را دوست داری مالک شوی، اما با دعای مظلوم علیه تو همه ی آنچه را کسب کرده ای، از دست خواهی داد!
- (۳) شاید توانایی داشته باشی با ظلم همه ی آنچه را بخواهی به چنگ آوری، اما با یک نفرین مظلوم تمام آنچه را که در دستان تو است، از دست می دهی!
- (۴) شاید قادر باشی به وسیله ی ظلم تمام چیزهایی را که دوست داری به دست آوری، ولی با یک دعای مظلوم همه ی چیزهایی را که مالک شده ای، از دست می دهی!

۳۵- «قد أنشد شاعران کبیران قصیدتین عند مشاهدتهما ایوان کسری!» عین الصحيح في الإعراب و التحلیل الصرفي:

- (۱) مشاهدة: مفرد مؤنث - مصدر (من باب مفاعلة) - معرب / مجرور به حرف الجر؛ عند مشاهدة: جار و مجرور
- (۲) کسری: اسم - مفرد مذکر - معرفة (علم) - معرب / مضاف الیه و مجرور، و المضاف کلمة «ایوان»
- (۳) شاعران: اسم - مثنی مذکر - اسم فاعل (اشتقاقه من مادة «شعر») - معرفة / فاعل و مرفوع بالالف
- (۴) أنشد: فعل ماضٍ - للغائب - مزید ثلاثي (من باب افتعال) / فعل و فاعله «شاعران» و الجملة فعلية

۳۶- «نحن نغرس أشجاراً لكي يأكل من ثمارها الآخرون!» عین الصحيح في الإعراب و التحلیل الصرفي:

- (۱) أشجاراً: اسم - جمع مکسر أو تکسیر (مفردة: شجر، مؤنث) - نكرة - معرب / مفعول أو مفعول به و منصوب
- (۲) ثمار: اسم - جمع مکسر أو تکسیر (مفردة: ثمرة، مذکر) - معرب / مجرور به حرف الجر؛ من ثمار: جار و مجرور
- (۳) نغرس: فعل مضارع - للمتکلم مع الغير - مجرد ثلاثي - لازم - معلوم / فعل مرفوع و مع فاعله: جملة فعلية و خبر و مرفوع
- (۴) يأكل: فعل مضارع - مجرد ثلاثي - متعد / فعل منصوب به حرف «لکي» (= المضارع الالتزامي في الفارسية) و فاعله «الآخرون»



۳۷- (و عسى أن تَكْرهوا شيئاً و هو خير لكم ...) عَيِّن الصَّحِيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

- (۱) هو: اسم - ضمير منفصل - للغائب - مبني / مبتدأ و مرفوع، و الجملة اسمية
- (۲) خير: اسم - مفرد مذکر - اسم تفضيل (أصله: أخير) - معرفة / خبر و مرفوع
- (۳) تَكْرهوا: مضارع - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - متعدُّ / فعل و مع فاعله: جملة فعلية
- (۴) شيئاً: مفرد مذکر (جمعه: «أشياء») - نكرة - مبني / مفعول أو مفعول به و منصوب

۳۸- «بعضی حیوانات با غریزه ی خود گیاهان دارویی را می شناسند!»، عَيِّن الصَّحِيح:

- (۱) إِنَّ البعض من حیوانات بغریزتها تعلم الأعشاب الطَّيِّبة!
- (۲) إِنَّ بعض الحیوانات تعرف بغریزتها الأعشاب الطَّيِّبة!
- (۳) تعرف بعض من الحیوانات أعشاباً طیباً بالغریزة!
- (۴) تعلم بعض حیوانات أعشاباً طیباً بالغریزة!

۳۹- عَيِّن الصَّحِيح:

- (۱) بعضُ النَّاس من تُهاة الأعمالِ السَّيِّئة دائماً: بعضی از مردم از نهی کنندگان کارهای بد همیشگی هستند!
- (۲) ولكنَّ كثيراً من الشَّباب لا يُحبُّونَ أمرهم و نهیهم: ولی جوانان، بسیاری از امر و نهی آنان را دوست ندارند،
- (۳) و یریدون أن یصلوا هم أنفُسهم إلى نتیجة أعمالهم: و می خواهند که آن‌ها خودشان به نتیجہی کارهایشان برسند،
- (۴) نعم، قد یصلون إلى التَّیجَة ولكن مع خسارة لا تُعوَّض!: آری، قطعاً به نتیجہ می رسند اما با خسارتی که جبران نمی شود!

۴۰- «هؤلاء المَعْلَمون النُّشِيطون یوصلوننا إلى أهدافنا العالیة بتربیة تلامیذهم الصَّحِیحة!» عَيِّن الترجمة الصَّحِیحة:

- (۱) این‌ها معلمانِ فعَّالند که با ترتیب درست دانش آموزان ما را به هدف عالی مان می‌رسانند!
- (۲) اینان معلمانِ فعَّالند و با تربیت درست دانش آموزانشان ما را به هدف بلندمان می‌رسانند!
- (۳) این معلمان فعَّال با تربیت صحیح دانش آموزان خود ما را به هدف‌های بلندمان می‌رسانند!
- (۴) این معلمان فعَّال که دانش آموزان را صحیح تربیت می‌کنند ما را به هدف‌های والايمان می‌رسانند!

۴۱- (لا أملك لنفسي نفعا و لا ضرراً إلا ما شاء الله) عَيِّن الصَّحِيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

- (۱) شاء: فعل ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثي - معلوم / فعل و فاعله «الله» و الجملة فعلية
- (۲) الله: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذکر - معرفة (علم) - معرب / فاعل لفعل «شاء» و مرفوع
- (۳) نفعا: اسم - مفرد مذکر - اسم فاعل (من فعل مجرد ثلاثي) - نكرة - معرب / مفعول أو مفعول به و منصوب
- (۴) أملك: فعل مضارع - للمتكلم وحده - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - متعدُّ / فعل مرفوع و مع فاعله جملة فعلية



۴۲- عین الصحيح:

- (۱) نزل المطرُ على الأراضي التي كان لها إغبار و صيَّرها خَصْرَة: باران بر زمین‌هایی که غبار آلودگی داشت فرو ریخت و آن‌ها سرسبز شدند!
- (۲) شقَّ المهندسون الجبالَ و جهَّزوا لنا طريقاً إلى شمال البلاد: مهندسان کوه‌ها را بشکافتند و برای ما راه شمال کشور را باز کردند!
- (۳) زانت أمي غرتي بأنجم ورقية جميلة لحفلة ميلادي: مادرم به خاطر جشن تولدم، با ستاره‌های کاغذی اتاقم را به زیبایی زینت داد!
- (۴) تُريد من الله أن يجعل لنا لسانَ الصدق في الآخرين: از خدا می‌خواهیم که برای ما یاد نیکو را در میان آیندگان قرار دهد!

۴۳- (أتأمرون الناس بالبرّ و تنسون أنفسكم): آیا، عین الصحيح في ترجمة الآية الكريمة:

- (۱) مردم را به نیکی کردن امر می‌کنید و خود را فراموش می‌کنید!
- (۲) به مردم دستور نیکو بودن را می‌دهید در حالی که خود را فراموش کرده‌اید!
- (۳) آیا امر می‌کنید مردمان را که نیکوکار باشند ولی خویشان را فراموش می‌کنید!
- (۴) به مردمان دستور می‌دهید که نیکویی کنند در همان حال که خود را فراموش کرده‌اید!

۴۴- (أرسلنا إلى فرعون رسولا فعصى فرعون الرسول) عین الصحيح في ترجمة الآية الكريمة:

- (۱) به سوی فرعون رسولی فرستادیم و فرعون از آن رسول نافرمانی کرد!
- (۲) رسولی را برای فرعون ارسال کردیم و فرستاده از فرعون تبعیت نکرد!
- (۳) برای فرعون پیامبر را مبعوث کردیم و فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد!
- (۴) پیامبری را به سوی فرعون مبعوث کردیم و آن پیامبر بر فرعون عصیان کرد!

۴۵- «الاهتمام بغرس الأشجار واجب على كلّ فردٍ منّا!» عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

- (۱) واجب: مفرد مذکر - اسم فاعل (من الفعل المجرد الثلاثي) - معرفة (علم) / خبر و مرفوع
- (۲) غرس: اسم - مفرد مذکر - اسم تفضیل - معرب / مجرور به حرف الجرّ؛ بغرس: جار و مجرور
- (۳) الأشجار: جمع مکسّر أو تکسیر (مفرد: شجر، مذکر) - معرّف بآل - مبني / مضاف‌إليه و مجرور
- (۴) الاهتمام: اسم - مفرد مذکر - مصدر (من باب افتعال) - معرّف بآل - معرب / مبتدأ و مرفوع، و الجملة اسمية

۴۶- «يقدّر العلماء أنواع الكائنات الحيّة في بحار العالم بالملايين!» عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

- (۱) العالم: مفرد مذکر - اسم فاعل (مصدره: علم) - معرّف بآل - معرب / مضاف‌إليه و مجرور
- (۲) العلماء: اسم - (جمع مکسّر أو تکسیر) - معرّف بآل - معرب / نائب فاعل لفعل «يقدّر» و مرفوع
- (۳) أنواع: اسم - جمع مکسّر أو تکسیر (مفرد: نوع، مذکر) - معرب / مفعول (= مفعول به) و منصوب
- (۴) يقدّر: مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعیل) - لازم - مجهول / فعل و فاعله «العلماء» و الجملة فعلية



۴۷- «مَنْ يَحْرُصُونَ عَلَى التَّعَلُّمِ كَمَا أَتْنَا نَحْتَاجُ إِلَى الْمَاءِ وَ الطَّعَامِ!» عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةُ:

- (۱) از ما عده‌ای بر آموزاندن مشتاق هستند همان‌طور که ما به آب و غذا نیاز داریم!
- (۲) عده‌ای از ما هستند که به یاد گرفتن حرص می‌ورزند چون ما که به آب و غذا محتاجیم!
- (۳) از ما کسانی هستند که بر آموختن مشتاقند. همان‌طور که ما به آب و غذا نیاز داریم!
- (۴) از میان ما کسانی‌اند که به یاد گرفتن بسیار علاقمندند همان‌گونه که ما نیازمند آب و غذا هستیم!

۴۸- (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةُ:

- (۱) هرگز نیکی به دست نمی‌آورید مگر وقتی آن‌چه را دوست دارید ببخشید!
- (۲) به نیکی دست نخواهید یافت مگر این‌که از آن‌چه دوست دارید انفاق کنید!
- (۳) بر نیکی‌ها دسترسی نخواهید داشت تا این‌که چیزی را که دوست دارید انفاق کنید!
- (۴) هرگز دسترسی بر نیکی‌ها نخواهید یافت تا زمانی‌که از آن‌چه دوست دارید ببخشید!

۴۹- عَيْنُ حَرْفِ «ال» مَعْنَاهُ اسْمُ الْإِشَارَةِ:

- (۱) يقفز السَّحَابُ الطَّائِرُ بِغَشَائِهِ الْخَاصِّ، هَذَا الْغِشَاءُ كَالْمِظَلَّةِ!
- (۲) الإجابة قبل أن تسمع الكلام سمعاً جيّداً من أخلاق الجهلاء!
- (۳) لا نقدر أن نرى جناحي الطَّائِرِ لَأَنَّ سرعة حركة الطَّائِرِ كثيرة!
- (۴) يا ربِّ ؛ أعوذ بك من قلب لا يخشع، كأنَّ القلبَ يتعد عن ربِّه!

۵۰- (لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ) عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةُ:

- (۱) قبل از تو رسولانی را برای قومشان ارسال کردیم، و آن‌ها بیّنات را برایشان آوردند!
- (۲) فرستادگانی را قبل از تو برای مردمشان مبعوث کردیم و آن‌ها معجزاتی با خود آوردند!
- (۳) رسولان را پیش از تو برای اقوام آن‌ها ارسال کردیم و آنان به همراه خویش بیّناتی آوردند!
- (۴) پیش از تو پیامبران را برای قوم آن‌ها فرستادیم و آنان دلیل روشن را به همراه خود آوردند!

۵۱- عَيْنُ الْخَطِأِ فِي نَفْيِ الْفِعْلِ:

- (۱) أنفقتُ من مالي = ما أنفقتُ من مالي!
- (۲) أكتب هذه العبارة = لا تكتب هذه العبارة!
- (۳) يُحاول في الحياة = لا يُحاول في الحياة!
- (۴) ساكتب الرسالة = لأن لا أكتب الرسالة!

۵۲- «دانشنامه فرهنگ بسیار کوچکی است که تعداد اندکی از علوم را دربر دارد!». عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) الموسوعة مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جَدًّا يَجْمَعُ قَلِيلاً مِنَ الْعُلُومِ!
- (۲) دائرة المعارف موسوعةٌ صغيرةٌ جَدًّا تَجْمَعُ عُلُوماً قَلِيلَةً!
- (۳) إِنَّ الموسوعةَ المعجمَ الصَّغِيرَ كَثِيراً يَشْمَلُ الْقَلِيلَ مِنَ الْعُلُومِ!
- (۴) إِنَّ دائرةَ المعارفِ الموسوعةَ الصَّغِيرَةَ كَثِيراً عَلَى عُلُومٍ قَلِيلَةٍ!



۵۳- «ما درختانی می‌کاریم تا دیگران از میوه‌های آن‌ها بخورند!». عین الصّحیح:

(۱) نحن نغرس الأشجار حتّى من ثمراتها يأكل الآخرون!

(۲) نغرس نحن الأشجار لكي يأكل آخرون من ثمارها!

(۳) نغرس نحن أشجاراً حتّى آخرون يأكل من ثمراتها!

(۴) نحن نغرس أشجاراً لكي يأكل من ثمارها الآخرون!

۵۴- (أنفقوا ممّا رزقناكم من قبل أن يأتي يوم لا بيع فيه ولا خلة ولا شفاعة) عین الترجمة الصحيحة:

(۱) از آن‌چه به شما روزی می‌دهیم اتفاق کنید قبل از آن‌که روزی بیاید که در آن هیچ فروش و دوستی نیست و نه شفاعتی!

(۲) اتفاق کنید از آن‌چه روزی دادیم شما را، پیش از آن‌که روزی فرا رسد که نه فروشی در آن است و نه دوستی و نه شفاعتی!

(۳) بخشش کنید از چیزهایی که روزیتان دادیم پیش از این‌که آن روز فرا رسد که هیچ فروش و دوستی و شفاعت در آن نیست!

(۴) از آن‌چه روزی شما قرار می‌دهیم بخشش کنید قبل از این‌که آن روز بیاید که فروش در آن نیست و دوستی و شفاعت نیز نیست!